

بررسی موضوع معاشرت معروف در روابط زوجین

انسی ریسمانچی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱ تاریخ داوری: ۱۴۰۲/۱۲/۱۵

چکیده

قرآن کریم، اصل حسن معاشرت را اصل حاکم بر روابط زوجین می‌داند و در قرآن، لفظ «معروف» نماد معاشرت زوجین در کانون خانواده هست. اصل معروف، موازنه‌ای را در نظام خانوادگی برقرار می‌سازد. حسن معاشرت در آیه شریفه «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ» از مبانی قرآنی این اصل بوده و طبق مفاد آیه، عمل به آن بر هر یک از زوجین واجب است. اساسی‌ترین سؤال در طرح حسن معاشرت زوجین این است که جایگاه و مصادیق اصل حُسن معاشرت در قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم‌السلام چگونه تبیین شده است؟ از آنجاکه، کانون مقدس خانواده، مهم‌ترین تجلی‌گاه اصل معروف می‌باشد، خداوند متعال، زوجین را به رعایت این اصل، توصیه و سفارش نموده و همواره ایشان را به کسب فضایل در روابط مشترک دعوت می‌نماید. این پژوهش که با روش توصیفی انجام می‌گیرد، درصدد تشریح مبانی اصل حسن معاشرت بوده و به دنبال آن، تأثیرات فقهی و حقوقی آن را در روابط فیما بین زوجین به تصویر کشیده و نمونه‌هایی از مصادیق این حسن معاشرت را ذکر می‌کند.

کلید واژه‌ها: برابری حق و تکلیف، حسن معاشرت، روابط زوجین

۱. استاد حوزه علمیه فاطمه الزهرا علیها‌السلام - ساوه.

مقدمه

در سامان یافتن مسئله حقوق و وظایف در خانواده سه مرحله شناخت این حقوق و وظایف، عمل به آن وظایف و تکالیف و مراعات دوجانبه این حقوق وجود دارد. این سه مؤلفه باهم باید در رفتار و معاشرت خانوادگی وجود داشته باشند، باید هم زن در برابر شوهرش مطیع، صبور، متحمل، قدردان و وفادار باشد، هم شوهر نسبت به همسرش بردبار، نیکوکار، قدرشناس، احترام گذار و تأمین کننده نیازهای معیشتی و آسایش باشد. اگر صبوری و قناعت و پرهیز از پرخاش و بددهنی و بی احترامی خوب است، باید از هر دو سو باشد، نه آنکه یکی به خود حق بدهد هر چه خواست بگوید و انجام دهد، ولی از طرف مقابل انتظار داشته باشد که جز تسلیم، سکوت، تحمل و ادب، برخوردی نداشته باشد و در مقابل هتاک‌ها و بی حرمتی‌های او حتی پاسخی معمولی هم ندهد. در احادیث آمده است: «زن از شوهر خویش، فرمان برداری داشته باشد. بدون رضایت او کاری نکند و جایی نرود، نسبت به او حالت تمکین داشته باشد، شوهر را نیاززاد، او را اندوهگین نسازد، در خانه خدمت کند، شوهرداری نماید، رضایت او را از هر جهت جلب کند، چراغ، روشن کند، غذا بپزد، خانه را مرتب کند، وقتی شوهر می‌آید از او استقبال کند و آنگاه که از خانه بیرون می‌رود بدرقه‌اش کند، خود را برای غیر شوهرش نیاراید، بی اجازه و رضایت او در اموالش دخل و تصرف نکند». از سوی دیگر بر عهده مرد است که لوازم زندگی و خوراک و پوشاک و مسکن را تهیه کند، در حد توان بر خانواده‌اش وسعت و گشایش دهد، احترام زن را نگه دارد و از آزار و ضرب و شتم پرهیزد، خود را برای همسرش آراسته و مرتب سازد، بخشی از وقت خود را صرف رسیدگی به کارهای خانه و انس با خانواده بگذراند، با مدارا و خوش‌زبانی برخورد کند و...

طبیعی است که اگر زن و شوهر هر دو به این وظایف عمل کنند، خانه و خانواده‌ای باصفا، آرام، گرم و بامحبت خواهند داشت که در آن زمینه رشد اخلاقی و تعالی فرهنگی خود و فرزندانشان نیز فراهم خواهد بود.

رسول خدا ﷺ فرمود: «خَيْرُكُمْ خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَأَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي؛ بهترین شما کسی

است که نسبت به خانواده‌اش بهتر باشد و من بهترین شمایم نسبت به خانواده‌ام»^۱. حق و تکلیف، رابطه مستقیم در وجوب دارد. زمانی که صاحب حق، حق خود را طالب است، ادای تکلیف الزامی است و در صورت عدم انجام تکلیف، ظلم و ظالم تحقق پیدا می‌کند. ولی زمانی که محق از حق خود، چشم‌پوشی کند، تکلیف از ذمه مکلف ساقط است؛ بنابراین در تعلق تکلیف باید نظر محق لحاظ گردد. در دین اسلام حقوق و تکالیفی بر مسلمانان فرض شده است که حدود الهی را ترسیم می‌نمایند و مسلمانان ملزم به رعایت حدود الهی شده‌اند؛ به طوری که در آیه ۲۲۹ سوره بقره، تعدی کنندگان از حدود خدا، ظالم و ستمکار نامیده شده‌اند. همچنین تعدی از حدود خدا، ظلم به خود تعبیر شده است. آیه‌ای دیگر، عذاب اخروی را در تعدی از حدود خدا عنوان می‌نماید؛ بنابراین هرکس از وظایف خود را انجام نداده و از حدود الهی خارج شود، مصداق ظالمان خواهد بود.

همین‌که نکاح به درستی واقع شد، حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می‌کند؛ یعنی اگر شوهری نسبت به همسرش تکلیفی دارد، حقوقی نیز دارد که باید همسرش رعایت کند. حضرت آیت الله مصباح یزدی به قراردادی بودن رابطه حق و تکلیف اشاره کرده‌اند و لازمه قرار دادن حق برای افراد را توقع خدمت و تکلیف متقابل از سوی آنان می‌داند.

این حقوق و تکالیف، بخشی مربوط به امور غیرمالی و بخشی در رابطه با امور مالی است و نیز بخشی مشترک بین زوجین است که باید آن‌ها را مراعات نمایند و همچنین بخش دیگری مختص به زن یا شوهر است؛ یعنی زوجین پس از ایجاد علقه نکاح و تحقق زوجیت، هرکدام هم حقوق و تکالیف مختص به خود را دارند و هم حقوق و تکالیف مشترک دارند.

الف) مفهوم معاشرت

از نظر قرآن کریم، اساسی‌ترین اصل در رفتار و تعامل بین زوجین، معاشرت معروف است، یعنی اخلاق و برخورد صحیح و اصولی زن و مرد با یکدیگر. این زن و شوهرند که با صفا و صمیمیت خود می‌توانند از زندگی معقولی برخوردار باشند و با وفاداری نسبت

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ح ۱۵۲۰.

به هم و اشتراک مساعی و گذشت، زندگی را رونق بخشیده و به آن صفا بخشند. با توجه به اصل برابری حق و تکلیف در روابط زوجین، معاشرت به معروف دارای مصادیقی است؛ از جمله احترام متقابل زن و شوهر به همدیگر؛ احترام زن و شوهر به یکدیگر از وظایف متقابل آنان است و در سلامت روحی، افزایش محبت و تحکیم خانواده، تأثیر بسزایی دارد. گستره این احترام شامل ارج نهادن به شخصیت یکدیگر، احترام به نظریات، افکار و سلیقه همدیگر و محبت و صمیمیت آنهاست. خوش‌زبانی و خوش‌رفتاری، رفق و مدارا، تکریم و بزرگداشت همسر، وفاداری و... از دیگر مصادیق حسن معاشرت است که در ذیل به شرح هر یک می‌پردازیم.

معنای لغوی معاشرت

معاشرت از «عشرت» به معنای آمیختن، مصاحبت و همراهی است.^۱ و در آن معنای مشارکت و مساوات نهفته است.^۲ «معاشرت»، مصدر باب مفاعله از ریشه «عشر» است. لغت‌شناسان آن را به معنای همراهی و هم‌صحبتی و مصاحبت می‌دانند. مصطفوی بیان می‌دارد که معاشرت از ریشه «عشر» به معنای مصاحبت همراه با اختلاط است؟ «عشیر» بر وزن «فعیل» به معنای کسی که به معاشرت وصف می‌شود و مصاحبت و اختلاط می‌کند و این مفهوم، هرکسی را که این‌گونه باشد، شامل می‌شود؛ مثل شوهر، زن، دوست و مونس^۳ در لسان العرب، «عاشرته» را به معنای تکمیل‌کننده گرفته است و بیان می‌دارد که در داماد شدن من برای او مثل عدد ده کامل شدم.^۴ زبیری «عشر» و «معاشرت» را به معنای نزدیکی و دوستی معنا کرده که عشیر زن، همسر او و عشیر مرد، زن اوست.^۵ در قاموس قرآن هم «عاشر» را به معنای مصاحبه و مخالطه بیان کرده است که در میان روابط زوجین، این «عشیر» را شامل وظایف مرد بر زن اعم از واجب و مستحب می‌داند.^۶ باهم زیست کردن، همدمی، رفاقت، باکسی زندگانی نمودن،

۱. فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۳۷۴.
۲. رشید عبدالرحمن العبیدی، معجم المصطلحات، ج ۴، ص ۳۷۴.
۳. محمدکاظم مصطفوی، مائه قاعده فقهیه، ج ۸، ص ۱۳۷.
۴. ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی ابن منظور، لسان العرب، ص ۲.
۵. حسین زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ص ۷.
۶. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن و زکریا احمد ابن فارس، معجم مقاییس اهل اللغة.

خوردن و آشامیدن باهم نشست و برخاست کردن، است.^۱ گفت و شنید کردن باهم^۲ در لغت‌نامه‌هایی مثل دهخدا و عمید و معین، به معنای آمیختن و باهم آمیزش کردن، باهم زیست کردن، معنا شده است. معنای مورد نظر ما مصاحبت و همراهی و مغالطه می‌باشد.

معنای اصطلاحی معاشرت

معاشرت در اصطلاح به معنای این است که افرادی باهم اختلاط داشته باشند و گفت و شنودی داشته باشند و نظرات و صحبت‌هایی را باهم رد و بدل کنند و در کنار این گفت و شنود، الفت و همدمی در رفاقت و زندگی باهم داشته باشند. این الفت حتی در خوردن و آشامیدن باهم و نشست و برخاست داشتن باهم وجود دارد. معاشرت در قرآن کریم هم به معنای مصاحبت و همراهی و خویشاوندی آمده است که این مصاحبت می‌تواند، بین زن و شوهر یا دوست و رفیق و انیس خود باشد. حتی در زبان عرب که به یک قبیله یا یک فامیل، عشیره می‌گویند هم از همین عشر به معنای معاشرت داشتن باهم گرفته شده است. علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره معنای معاشرت به معروف فرمودند: «معاشرت معروف یعنی اینکه زن را جزو اجتماع به شمار آورید و جزء سازنده جامعه باشد، دخالتش در جامعه یک دخالت جدی به قصد تعاون و همکاری باشد و از آنچه در جامعه تولید می‌شود، بهره‌مند شود، به او ستم نشود و همان‌گونه که در تولید جامعه تأثیر دارد، از تولید جامعه و دستاوردهایش نیز استفاده کند.»^۳ بنابراین ایشان مراد از معاشرت را مطلق معاشرت دانسته‌اند. شیخ طوسی معاشرت معروف را ادای حقوق واجب زن بر مرد دانسته است.^۴

۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۱۳، ص ۱۸۶۳۲.

۲. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۷۱۲۶.

۳. محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۴، ص ۴۰۲.

۴. محمد بن حسن طوسی، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بی‌جا، ص ۱۵۰.



ب) مفهوم معروف

معنای لغوی معروف

واژه «معروف» ۳۹ مرتبه در ۱۲ سوره و ۳۶ آیه قرآن به کار رفته است. معروف در لغت از «عرف» مشتق شده است.^۱ به معنای معروف و شناخته شده می باشد.^۲ معروف ضد منکر و «عرف» ضد «نکر» دانسته شده است.^۳ به معنای هر چیزی از خیر و نیکی دانسته شده است که نزد نفس شناخته شده باشد.^۴ معروف را عبارت از آنچه که در عادات و معاملات مردم، معروف و متعارف است، دانستند.^۵ معروف چیزی است که آشکار می شود، بالا می رود و شناخته می شود.^۶ بعضی هم عرف و عادات را یکی دانسته اند.^۷ واژه «عرف» در لغت دارای معانی مختلفی است. التحقيق واژه «عرف» را به معنای شناخت یافتن و اطلاع گرفتن از شیء و آثار آن گرفته است.^۸ ابن منظور نیز «عرف» را از ریشه «عرف» می داند و به معنای علم یافتن دانسته و معروف را چیزی که انسان آن را می داند و می شناسد، معرفی کرده است.^۹ راغب اصفهانی «عرف» را ریشه عرفان و معرفت به معنای ادراک کردن شیء با تفکر و تدبیر بر آثارش می داند. معروف، اسم است که هر فعل و عملی را که عقل و شرع آن را حسن دانسته، بیان می کند و در مقابل منکر است که عقل و شرع آن را نپسندیده است.^{۱۰} معروف برگرفته از ریشه عربی «عرف» به معنای اصطلاحی، امری است که میان مردم معمول و متداول شده باشد.^{۱۱}

۱. ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۲ و محمد فؤاد عبدالباقی، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، صص ۴۵۸-۴۵۹.

۲. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۳۲۷.

۳. أبو نصر إسماعیل بن حماد، جوهری فارابی، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۴، ص ۱۷۹.

۴. ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۴۰.

۵. خلیل جر، فرهنگ لاروس عربی-فارسی، ترجمه حمید طیبیان، ص ۸۲۴.

۶. محمد کاظم، مصطفوی، مائه قاعده فقهیه، ج ۸، ص ۹۷.

۷. محمد حسن نجفی، جواهر الکلام، ج ۱۱، ص ۵۶۴.

۸. محمد کاظم، مصطفوی، مائه قاعده فقهیه، ج ۸، ص ۹۷.

۹. ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، ص ۲۳۸.

۱۰. ابوالقاسم راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ذیل کلمه «عرف».

۱۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ذیل کلمه «عرف».

و نیز به معنای تتابع، اتصال و پی در پی بودن و یا قرار، آرامش و سکون.^۱ معروف هر آن چیزی است که در شرع، نیکو شمرده شده باشد.^۲

معنای مورد نظر ما شامل امری است که میان مردم، معمول و متداول باشد؛ خواه امر شناخته شده از امور تکمیلی باشد، یا از نوع آداب و رسوم و عادات شایع میان مردم که برای آن ها شناخته شده باشد.

معنای اصطلاحی معروف

معروف در اصطلاح، عملی است که برای همه افراد شناخته شده است. همان چیزی است که عقل و حکم، آن را قبول دارند و از فطرت آدمی به دور نیست. پس اگر مردمی، معروفی که با فطرت و عقل و شرع موافق است را می خواهند و با آن انس پیدا می کنند، پس همان مردمی هستند که از فطرت دور نشده اند و در راه مستقیم الهی هستند؛ اما اگر مردمی معروف را از منکر تشخیص ندهند، یا منکر را به جای معروف برگزینند، این ها از فطرت و عقل و شرع آدمی به دور شده اند. معروف در واقع همان چیزی است که آداب و سنت یک جامعه را تشکیل می دهد. این که در قرآن کریم، امر به معروف شده است نیز ناشی از همین است که افراد باید در مسیر حکم و فطرت الهی گام بردارند و اگر غیر از این دیده شد، بر دیگری لازم است تا منحرف را به مسیر اصلی برگرداند.

معروف، همان چیزی است که متضمن هدایت عقل، حکم شرع، فضیلت، محاسن، خلق نیکو، سنت های حسنه و آداب است.^۳

ج) مفهوم عبارت معاشرت معروف

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان درباره معنای معاشرت معروف فرموده اند:

«معاشرت معروف یعنی اینکه زن را جزو اجتماع به شمار آورید و جزء سازنده جامعه باشد، دخالتش در جامعه یک دخالت جدی به قصد تعاون و همکاری باشد و از آنچه

۱. زکریا احمد ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۴، ص ۲۸۱.

۲. علی بن محمد شریف جرجانی، التعریفات، ناصر خسرو و ابوالفضل محمد بن مکرم بن علی ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، صص ۲۲۹-۲۳۸.

۳. محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۲، ص ۲۲۸.



در جامعه تولید می‌شود، بهره‌مند شود، به او ستم نشود و همان‌گونه که در تولید جامعه تأثیر دارد، از تولید جامعه و دستاوردهایش نیز استفاده کند.» ایشان مراد از معاشرت را مطلق معاشرت دانسته‌اند.^۱ شیخ طوسی، معروف را ادای حقوق واجب زن بر مرد دانسته است.^۲ عده‌ای نیز با توجه به آن‌که معروف را هر امری دانسته‌اند که مردم در مجتمع خود آن را می‌شناسند و به آن جاهل نیستند، با توجه و عنایت به عرف معاصر آن را به آزادی زن و اینکه زن جزء مقوم جامعه است و باید در حد وسع و توانایی‌اش در جامعه، مشارکت و همکاری و تعاون داشته باشد، مرتبط نموده‌اند.^۳ و برخی به انصاف در فعل و نیکی در قول اشاره نموده‌اند.^۴ برخی نیز حسن معاشرت را عدالت در همخوابی میان زنان، اگر مرد بیش از یک همسر داشته باشد، پرداخت نفقه زن و نرم‌خویی دانسته‌اند.^۵ برخی نیز نوشته‌اند: مقصود همزیستی مطابق با فرمان خداوند است که ادای حقوق زن باشد، مانند حق بهره‌وری جنسی، پرداخت نفقه و سخن زیبا. معروف آن است که آزار جسمی و گفتاری، روا ندارد و در رویارویی با او گشاده‌رو باشد.^۶

د) مفهوم تکلیف

معنای لغوی تکلیف

تکلیف در لغت به معنای ایجاب و الزام امر دارای مشقت بر دیگری است.^۷

معنای اصطلاحی تکلیف

تکلیف در دین به معنای موظف کردن در مقابل تعالیم الهی و تبعیت از امرونهی پروردگار است. مکلف، انسانی است که تابع طلب الهی (امرونی) باشد. حیات چنین

۱. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۴۰۲.
۲. محمد بن حسن طوسی، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، ص ۱۵۰.
۳. محمدحسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، ج ۴، ص ۴۰۴.
۴. محسن فیض کاشانی، تفسیر صافی، ص ۴۳۲ و عبدالله بن عمر بن محمدعلی بیضاوی، تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۱۲۲.
۵. جاراالله زمخشری، الکشاف، ص ۴۹ و فخر رازی، ج ۱۰، ص ۱۲.
۶. حسن بن الفضل طبرسی، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، ج ۳، ص ۲۵.
۷. مصطفی، ابراهیم و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۲۱، ص ۷۹۵.

انسانی محدود به حدود شریعت الهی است. در دایره هستی هر موجود ذی شعوری دارای حق و تکلیفی از جانب خالق حکیم هست. هرکسی که دارای حقی است، فردی دیگر در رابطه با او دارای تکلیفی است که متضمن ادای حق وی باشد، حق و تکلیف دو طرف یک چیز واحد هستند، ناچار مساوی و برابر خواهند بود. درجایی که حقی برای فرد قرار داده شده است، جای دیگر تکلیفی علیه او قرار داده اند که تناسب مکلف و تکلیف و حق و محق از ویژگی حق و تکلیف است. هرچند ظاهری متفاوت بر خود گرفته است. فرد درجایی حق دارد و جای دیگر تکلیف، جمع بین این دو، عدالت را محقق می‌سازد؛ بنابراین، فرض حق بدون تکلیف و تکلیف بدون حق، قابل تصور نیست. چنانکه مولای متقیان علیه السلام در توصیف حق و تکلیف می‌فرمایند: «الْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فَيَا لَتَوَاضِعٍ وَأُضْيِقُهَا فِي التَّنَاضُفِ، لَا يَجْرِي لِأَحَدٍ إِلَّا جَرَى عَلَيْهِ، وَلَا يَجْرِي عَلَيْهِ إِلَّا جَرَى لَهُ؛ پس حق گسترده‌تر از آن است که وصفش کنند، ولی به هنگام عمل، تنگنایی بی‌مانند دارد. اگر حق به سود کسی اجرا شود، ناگزیر به زیان او نیز روزی به کار می‌رود و چون به زیان کسی اجرا شود، روزی به سود او نیز جریان خواهد داشت.^۱

تلازم حق و تکلیف

یکی از مباحث محوری در اندیشه‌های سیاسی، حقوقی و اخلاقی، حق و یکی از اصول فلسفه حقوق، تلازم حق و تکلیف است؛ یعنی اگر شوهری نسبت به همسرش تکلیفی دارند، حقوقی نیز دارد که باید همسرش رعایت کند. حضرت آیت الله مصباح یزدی به قراردادی بودن رابطه حق و تکلیف اشاره کرده‌اند و لازمه قرار دادن حق برای افراد را توقع خدمت و تکلیف متقابل از سوی آنان می‌دانند.^۲

با اندکی تأمل می‌توان گفت که میان حق و تکلیف ملازمه وجود دارد؛ یعنی هر جا سخن از حق می‌شود تکلیفی هم در مقابل آن هست و اگر انفکاک فرض شود، فقط در ارتباط با خداوند سبب آن قابل فرض است و هرگاه حقی برای کسی باشد، حق دیگری بر اوست که وی مکلف به تأدیه آن است و اگر بنابراین باشد که حق مطلق

۱. نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶، ترجمه محمد دشتی.

۲. محمد تقی مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام.

و یک جانبه بوده و برای کسی ثابت باشد، بدون آنکه حقی بر او ثابت باشد، چنین مطلبی فقط برای خداوند سبحان است نه دیگران که مخلوق اویند، چون قدرت او بر بندگانش جاری و عدالت او بر همه موجودات تحت فرمان او ساری است.^۱ چنین نیست که در موردی فقط حق، ثابت باشد و تکلیف و الزام یا تعهدی نباشد؛ بنابراین، نمی توان ملتزم شد که در جامعه، همه دارای حقوق باشند؛ اما افراد حاضر در آن، ملزم به رعایت حقوق یکدیگر نباشند. اثبات هرگونه حقی برای فرد در جامعه، برای دیگران تکلیفی را ایجاد می کند. حضرت علی علیه السلام در تبیین حق، چنین می فرماید: «سپس خداوند سبحان از جمله حقوقش را برای برخی از مردم بر بعضی دیگر واجب کرد و آن حقوق را مقابل هم قرار داد که برخی از حقوق، برخی دیگر را واجب گرداند و حق بر کسی واجب نمی شود، مگر همانند آن را انجام دهد.

لسان بخشی از آیات قرآن نیز پیام الزام و تکلیف است؛ زیرا یا صریحاً به صورت جمله انشایی ادا شده، یا اگر جمله خبری است به منظور انشاء، القاشده است و توجه به باطن آن آیات، ثابت می کند که ارجاع این تکالیف به حقوق است.

مفهوم حق

معنای لغوی حق

حق در لغت به معنای درستی، ثبوت، صدق، وجوب، شایسته امر مقضی، یقین پس از شک، قرآن، احاطه مال و... آمده است. لغت حق در قرآن ۲۴۷ مرتبه به کاررفته است. در ۲۲۷ مورد به صورت الحق، ۱۷ مورد حقا، ۳ مورد حقه.

معنای اصطلاحی حق

واژه حق در برابر باطل قرار دارد و معنای آن امر ثابت و صحیح است؛ بنابراین یک نحوه ثبوت در آن ملحوظ است، خواه ثبوت تکوینی و حقیقی باشد و خواه ثبوت قراردادی و اعتباری. مراد از تکمیلی، حقوق فطری و برآمده از سرشت انسان است و مراد از اعتباری بودن، این است که ما به ازای عینی و خارجی ندارد و تنها در ارتباط با افعال اختیاری انسان ها مطرح می شود. انسان های آزاد و صاحب اختیار،

۱. سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶.

برخی از افعال را باید انجام و برخی را نایستی انجام دهند و بر اساس همین باید‌ها و نباید‌هاست که مفاهیم حق و تکلیف، زاده می‌شود. حضرت علی علیه السلام درباره متقابل بودن حق و تکلیف می‌فرمایند: «خداوند حقوق را متقابل و همسان ساخت که هر یک، دیگری را به دنبال دارد؛ این‌ها یک‌طرفه، واجب نمی‌گردند.»^۱

جلب توجه همسر

زن و شوهر وظیفه دارند در نظافت، لباس پوشیدن و اصلاح سروصورت، خواسته‌های یکدیگر را رعایت کنند. اسلام به زنان توصیه می‌کند که در خانه و برای شوهر خود آرایش و زینت کنند و بهترین لباس‌هایشان را بپوشند. نظیف و پاکیزه باشند و بوی خوش استعمال کنند. امام صادق علیه السلام فرمود: «زنی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و سؤال کرد: حق مرد بر زن چیست؟ فرمود: وظیفه زن این است که خود را بهترین روش‌های خوشبو سازد، بهترین لباس‌هایش را بپوشد، با بهترین زیورها زینت کند و بدین صورت صبحگاه و شبانگاه خویش را بر شوهر عرضه بدارد و حقوق مرد بیشتر از این‌هاست.»^۲ مرد نیز همین وظیفه را در مورد همسرش دارد؛ باید نظیف و پاکیزه، خوشبو و خوش لباس باشد، به اصلاح سروصورتش برسد و در منزل زیبا زندگی کند. جعفر بن محمد علیه السلام به وسیله پدران‌ش از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده که فرمود: «هر یک از شما باید خودش را برای همسرش آماده سازد؛ چنانچه زن خودش را برای شوهر آماده می‌سازد. آنگاه جعفر بن محمد علیه السلام فرمود: یعنی نظافت و پاکیزگی را رعایت کند.»^۳ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «حق زن و شوهر این است که غذا و لباسش را فراهم سازد و با صورت زشت بر او ظاهر نشود. اگر چنین کرد، حق او را ادا کرده است.»^۴

احترام و تکریم یکدیگر

در زندگی مشترک، شاید رعایت کامل آداب امکان‌پذیر نباشد، ولی وجود احترام

۱. فصلنامه علوم سیاسی، ج ۷، ص ۵.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۵۸.

۳. میرزا حسین نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۹۶.

۴. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۴.

متقابل، اصلی اساسی است. درگیری‌ها و اختلاف‌های آشکار هنگامی پدید می‌آیند که پرده حرمت میان آن دو دریده شود و طرفین برای یکدیگر ارزش و احترامی قائل نباشند؛ یعنی درواقع اصل حق و تکلیف به درستی رعایت نشود. مهم‌ترین شیوه برای جلوگیری از پیدایش درگیری‌ها میان زن و شوهر، تحکیم روابط آنان است و این جز با احترام به حقوق و در مقابل ادای تکلیف از طرف زوجین امکان‌پذیر نخواهد بود. تکریم همدیگر، طرفین را به یکدیگر علاقه‌مند می‌کند. حرمت گذاردن به هم یک حُسن است و هر زن و مرد باید نکات مثبت زندگی همسر خود را بیابد و او را برای آن نکات مثبت تکریم کند. بزرگداشت و تکریم شخصیت نیاز طبیعی هر انسانی است. انسان به دلیل غریزه حب ذات که در طبیعت او نهاده شده، به ذات خویش علاقه دارد و مایل است دیگران نیز شخصیت او را بپذیرند و گرامی بدارند. اگر نیاز طبیعی تکریم شخصیت هر فرد در خانواده تأمین شود، احساس آرامش و اعتماد به نفس می‌کند، توانایی‌های خود را به کار می‌بندد و با دلگرمی و امید به موفقیت و کسب رضایت دیگر اعضای خانواده در مسیر زندگی قدم برمی‌دارد. همچنین به خانواده، همسر و دیگر مردم خوش بین می‌شود و آنان را قدرشناس و قابل اعتماد می‌شناسد و از همکاری با افرادی که قدر او را می‌دانند و شخصیتش را گرامی می‌دارند هراسی ندارد. این است اثر شناخت حقوق و ادای تکلیف توسط زوجین. چنانچه کرامت انسانی حفظ نشود، سوءظن‌ها و بدبینی‌ها سراسر وجود او را فرا می‌گیرد و در پی انتقام‌جویی بر خواهد آمد. از این رو در احادیث معصومین: درباره کسانی که تحقیر شده‌اند و به عزت نفس آن‌ها خدشه وارد شده است، روایت‌های زیادی وجود دارد. امام صادق علیه السلام نیز می‌فرماید: «هیچ‌کس تکبر و طغیان نمی‌کند، مگر در اثر ذلتی که در نفس خویش احساس می‌کند»^۱.

پوشاندن عیوب همسر

زن و مرد در ارتباط و معاشرت باهم باید یکدیگر را بپوشانند و یکدیگر را از گناه و خطا و اشتباه حفظ نمایند؛ چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ»^۲.

۱. محمد ابن یعقوب کلینی، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، ص ۳۱۲.

۲. سوره بقره، آیه ۱۸۷.



از آنجاکه لباس‌ها انسان را می‌پوشاند و حفظ می‌کند، زن و مرد به لباس تشبیه شده‌اند.^۱

یعنی زن و مرد، هریک طرف مقابل را از رفتن به دنبال فسق و جور و اشاعه دادن آن در بین دیگران، حفظ می‌کنند^۲ در تشبیه همسر به لباس، نکات جالبی وجود دارد؛ به عنوان مثال لباس متناسب با فصل و زمان تغییر پیدا می‌کند. پس هریک از دو همسر باید اخلاق و رفتار خود را متناسب با نیاز روحی و روانی همسر خود تنظیم نمایند؛ و یا اینکه لباس باید در رنگ، دوخت و جنس مناسب شأن انسان باشد، یا اینکه لباس هم موجب حفظ بدن است و هم زینت به حساب می‌آید، انسان همیشه به آن نیازمند است. البته بین انسان و لباس رابطه متقابل وجود دارد. همان‌گونه که لباس انسان را حفظ می‌کند، در مقابل هر فردی موظف به حفظ لباس خویش است.^۳ پس زن و مرد باید همانند لباس هم باشند، هم یکدیگر را از خطا و اشتباه حفظ کنند و هم هریک زینت دیگری به حساب آیند و به یکدیگر افتخار کنند. این رابطه تنگاتنگ متقابل در یک تشبیه خیلی ساده و کوتاه بیان شده است و نشان‌دهنده ارتباط صمیمانه و پر از صدق و دوستی دو همسر نسبت به هم است.

اختصاص وقت به خانواده

در سبک زندگی خانوادگی پیشوایان معصوم: نمونه‌های فراوانی از یاری‌رساندن و همکاری در اداره منزل به چشم می‌خورد. پیشوایان دینی، زن و مرد را به یاری یکدیگر تشویق و برای این مساعدت، پاداش‌های عظیمی از جانب خداوند بیان کرده‌اند که می‌توانند انگیزه زوجین را دوچندان کنند. در حدیثی آمده است: «اگر زنی به همسرش جرعه‌ای آب بنوشاند، ارزش معنوی این رفتار بیش از ثواب یک سال روزه و عبادت شب‌های آن است و خداوند در برابر هر جرعه آب که به همسرش می‌نوشاند، برای او شهری در بهشت بنا می‌کند و شصت گناه او را می‌بخشد».^۴ در حدیث دیگری، برای

۱. جار الله محمود بن عمر الزمخشري، الکشاف، ج ۱، ص ۲۳۰.

۲. محمد حسين طباطبائي، الميزان، ترجمه سيد محمد باقر موسوي همداني، ج ۲، ص ۶۴.

۳. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۶۵۰.

۴. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴ ص ۱۲۴.

این کار، اجری معادل با روزه و نماز یک ساله و پاداشی مانند پاداش انبیای الهی در نظر گرفته شده است؛ آنجا که پیامبر خدا ﷺ به امیر مؤمنان علیه السلام فرمودند: «مردی نیست که به همسرش در خانه کمک کند، مگر آنکه به تعداد موهای بدنش عبادت یک سال روزه با نماز در شب هایش برای او پاداش قرار می دهند و خداوند پاداش پیامبران صبورى مانند داوود علیه السلام، یعقوب علیه السلام، و عیسی علیه السلام را برای او قرار می دهد. ای علی! کسی که از خدمت به خانواده خودداری نکند، خداوند نام او را در زمره شهدا می نویسد و در مقابل هرروز و شب خدمت و هر قدم و رنج بدن به او پاداش بسیار می دهد. ای علی! یک ساعت خدمت در خانه بهتر از عبادت هزار سال، هزار حج، عمره و... سیر کردن هزار گرسنه و... بخشش هزار دینار...؛ چنین فردی از دنیا خارج نمی شود، مگر آنکه جایگاه خود را در بهشت ببیند.»^۱ در سیره پیشوایان معصوم: چنین خصلتی وجود داشته است. برای مثال حضرت علی علیه السلام مشغول آوردن آب و هیزم خانه و نظافت آن می شدند و حضرت فاطمه علیه السلام نیز خمیر و پخت نان را بر عهده می گرفتند.^۲ یکی دیگر از صحنه هایش زیبای کمک کردن امام علی علیه السلام به همسر بزرگوارشان زمانی که ایشان مشغول پاک کردن عدس بوده و پیامبر خدا ﷺ به نزد آنان می آیند و با مشاهده این صحنه می فرمایند: یا علی! هیچ مردی به اهل و عیال خود خدمت نمی کند، مگر آنکه از صدیقان یا شهیدان باشد یا کسی باشد که خداوند خیر دنیا و آخرت را برای او خواسته باشد.^۳ حضرت علی علیه السلام افزون بر همکاری در امور منزل، در زمینه مسائل مهم نیز با حضرت فاطمه علیه السلام مشورت می کردند و حضرت فاطمه علیه السلام نیز در نهایت تواضع با ایشان همراهی می کردند. توجه مردان به امورات خانواده و وقت گذاشتن برای آنان آن قدر اهمیت دارد که پیامبر خدا ﷺ این عمل را حتی برای اعتکاف در مسجد، مقدم دانسته اند: «جلوس المرء عند عیاله احب الی الله تعالی من اعتکاف فی مسجدی هذا؛ نشستن مرد نزد اهل خانه اش برای خداوند دوست داشتنی تر از اعتکاف او در مسجد من است.»^۴ امروزه در برخی خانواده ها مشاهده می شود که زنان و مردان هر کدام به طور

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۰۶.

۲. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴؛ باب ۱۲۴؛ مقدمات نکاح.

۳. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۳، ص ۱۳۳.

۴. حمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۴۲۲.

جداگانه به رفیق بازی و مسافرت تنهایی و فضای مجازی و مهمانی های مجردی می پردازند و فاصله عاطفی بین خود را هرروز دورتر از قبل نگه می دارند. همسران در یاری رسانی به یکدیگر باید به گونه ای عمل کنند که همدیگر را به بهشت دعوت کنند و به همین دلیل است که در ملاک انتخاب همسر، روی عنصر ایمان تأکید خاصی شده است و خداوند متعال می فرماید: اگر همسرانتان باایمان باشند، هرچند غلام یا کنیز، بهتر از کسی است که به لحاظ طبقه اجتماعی و ثروت و جمال آن قدر بالا باشد که انسان را به شگفتی وادارد؛ زیرا همسر مؤمن، انسان را به بهشت دعوت می کند، اما همسر بی ایمان انسان را به جهنم دعوت می کند؛ زیرا تمام اهتمامشان به دنیا طلبی و شهوات نفسانی است: ﴿وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَاتِ حَتَّى يُؤْمِنَ وَلَأَمَةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنْكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّى يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِنْ مُشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ﴾^۱ و با زنان مشرک ازدواج نکنید تا زمانی که ایمان بیاورند. قطعاً کنیز باایمان از زن آزاد مشرک بهتر است، هرچند [زیبایی، مال و موقعیت او] شما را خوش آید؛ و زنان باایمان را به ازدواج مردان مشرک درنیاورید تا زمانی که ایمان بیاورند. مسلماً برده باایمان از مرد آزاد مشرک، بهتر است، هرچند [جمال، مال و منال او] شما را خوش آید. اینان [که مشرک اند، نه تنها مردم، بلکه بی رحمانه زن و فرزند خود را] به سوی آتش می خوانند و خدا به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت می کند.

رفق و مدارا

رفق و مدارا یکی دیگر از وظایف مشترک اخلاقی و عامل تحکیم خانواده، رفق و مدارا است. پیامبر خدا ﷺ می فرماید: «الرِّفْقُ يَمْنُ، وَالْخُرْقُ شُوْمٌ»^۲ و إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِأَهْلِ بَيْتٍ خَيْرًا أَدْخَلَ عَلَيْهِمُ الرِّفْقَ، فَإِنَّ الرِّفْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا زَانَهُ، وَإِنَّ الْخُرْقَ لَمْ يَكُنْ فِي شَيْءٍ قَطُّ إِلَّا شَانَهُ»^۳؛ ملایمت، میمون است و خشونت، شوم. هرگاه خداوند برای خانواده ای خیری بخواهد، ملایمت را وارد آن خانواده می کند؛ زیرا ملایمت هیچگاه

۱. سوره بقره، آیه ۲۲۱.

۲. محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۱۹.

۳. علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال، ج ۳، ص ۵۱، ح ۵۴۴۸.

با هیچ چیز همراه نمی‌شود، مگر اینکه آن را زینت ببخشد و خشونت هرگز با چیزی همراه نمی‌شود مگر اینکه آن را زشت بگرداند.

فراز و نشیب‌های زندگی، حالات مختلف آدمی، اختلاف نظرها، به‌طور طبیعی زمینه‌ساز بداخلاقی و ناسازگاری است. ازاین‌رو، خانواده‌ای که از عنصر رفق، مدارا، ملایمت و تسامح و تغافل برخوردار نباشد، نمی‌تواند پایدار بماند. مرد، با اندک بدخلقی زن، تصمیم به جدایی می‌گیرد و زن، با ملاحظه بداخلاقی شوهر، درخواست جدایی می‌نماید. اینجاست که روایات اسلامی با تأکید بر قداست خانواده، با وعده به پاداش‌های بزرگ اخروی، زوجین را به صبر و مدارا دعوت می‌نماید. به زن می‌گوید: «مَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ (ثَوَابِ) آسِيَةِ بِنْتِ مُزَاحِمٍ»^۱ هرکس بر بداخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند، همانند پاداش آسیه، دختر مزاحم (همسر فرعون) به او عطا می‌فرماید؛ و به مردان می‌فرماید: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ اللَّهُ مِنَ الْأَجْرِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَائِهِ»^۲؛ هر مردی به خاطر خدا، در برابر بداخلاقی زنش صبر کند، خداوند متعال برای هرروز و شبی که در برابرش شکیبایی می‌ورزد، همانند ثوابی را به او می‌دهد که ایوب علیه السلام در قبال گرفتاری‌اش داد؛ و بدین سان از فروپاشی کانون خانواده، پیشگیری می‌نماید.

مهرورزی و مهربانی

مهرورزی از زیباترین آموزه‌های اخلاقی است که نقش سازنده و مؤثری را به‌منظور گرایش انسان‌ها به سوی حق و عدالت ایفا می‌کند و در بسیاری از موارد ارتباطات را صمیمی‌تر می‌کند و آتش کینه‌ها و اختلافات را خاموش می‌سازد. رسول خدا صلی الله علیه و آله اسوه اخلاق و الگوی نیکوی همسررداری در دین ما به شمار می‌آیند. مهرورزی ایشان نه تنها شامل حال خانواده، دوستان و اهل ایمان می‌شد، بلکه مخالفان، از اخلاق نرم و شفقت‌آمیز آن بزرگوار بهره‌مند می‌شدند. پیامبر صلی الله علیه و آله در خانواده نسبت به همسران خود، خوش اخلاق‌ترین بودند و زخم زبان‌ها و نیش و کنایه‌های برخی همسرانشان را تحمل می‌کردند و با به مهربانی پاسخ می‌دادند. ایشان فرمودند: «أَحْسَنُ النَّاسِ إِمَانًا أَحْسَنُهُمْ

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۴۷ و ۳۰ و حسن بن الفضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۴۹۵.

۲. حسن بن الفضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۲۱۳.

خُلِقُوا وَالْطُّفُلُ هُمْ بِأَهْلِهِ»^۱؛ همانا کامل‌ترین مؤمنان کسی است که خوش‌اخلاق‌ترین از همه و مهربان‌ترین و با لطف‌ترین نسبت به خانواده‌اش باشد.» در روایت آمده است مردی به رسول خدا ﷺ عرضه داشت: «همسری دارم که چون به خانه وارد می‌شوم، به پیشوازم می‌آید و هنگامی که خارج می‌شوم، مرا بدرقه می‌کند و هرگاه مرا نگران می‌بیند، می‌گوید: نگرانی‌ات از بابت چیست؟ اگر برای رزق و روزی است دیگری آن را برعهده گرفته و اگر برای آخرت است، خداوند بر نگرانی‌ات بیفزاید.» حضرت فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ عُمَّالًا وَهَذِهِ مِنْ عُمَّالِهِ لَهَا نِصْفُ أَجْرِ الشَّهِيدِ»^۲؛ خداوند کارگزارانی دارد و این زن از کارگزاران اوست و نصف پاداش شهید را می‌برد.

حق آراستگی زن و شوهر برای یکدیگر

یکی از موارد رعایت حقوق جنسی، آراستگی و آرایش زن و شوهر برای یکدیگر است. دین اسلام دستورات فراوانی درباره نظافت و پاکیزگی دارد و نظافت را از نشانه‌های ایمان می‌داند. پروردگار، زینت کردن و خودآرایی را تمجید کرده، بلکه حتی برای ورود به مکان عبادی مانند مسجد، به آن دستور داده است: ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾^۳؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید؛ و در روایات فراوانی سفارش به خودآرایی عمومی و اختصاصی شده است: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى جَمِيلٌ يَحِبُّ الْجَمَالَ وَ يَحِبُّ أَنْ يَرَى أَثَرَ نِعْمَتِهِ عَلَى عَبْدِهِ وَ يَبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاطُؤَسَ»^۴؛ خداوند متعال زیباست، زیبایی را دوست دارد و دوست دارد اثر نعمت خود را در بنده‌اش ببیند. او فقر و فقر نمایی را دشمن می‌دارد.» در روایت دیگری پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ إِذَا خَرَجَ عَبْدُهُ الْمُؤْمِنُ إِلَى أَخِيهِ أَنْ يَتَهَيَّأَ لَهُ وَأَنْ يَتَجَمَّلَ»؛ خداوند دوست دارد که هرگاه بنده مؤمنش نزد برادر خود می‌رود، خویشتن را برای رفتن پیش او آماده و آراسته گرداند.^۵ متأسفانه برخی زنان و مردان فقط هنگام رفتن به بیرون و نزد غریبه‌ها آراسته می‌شوند؛ درحالی‌که خوب است برای همسر و

۱. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۸۷.

۲. ابن بابویه ابی جعفر محمد بن علی صدوق، من لایحضر الفقیه، ج ۳ ص ۳۸۹.

۳. سورة اعراف، آیه ۳۱.

۴. علاء الدین علی المتقی بن حسام الدین هندی، کنز العمال: ۱۷۱۶۶.

۵. علامه محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۷۹، صص ۳۰۷-۲۳.

دوستان و خویشاوندان مؤمن نیز آراسته باشیم و آراستگی خود را در منزل نیز رعایت کنیم. اسلام درباره خودآرایی زن و شوهر برای یکدیگر دستور اختصاصی صادر کرده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از وظایف مرد نسبت به همسرش، آراسته حاضر شدن در برابر او ذکر کرده‌اند و از این وظیفه به عنوان ادای حق زن یاد کرده‌اند. سیره عملی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه علیهم السلام نیز به همین صورت بوده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به بوی خوش، بیشتر از خوراک اهمیت می‌دادند. بدیهی است رعایت نظافت در روابط جنسی زوجین، می‌تواند ارتباط جنسی را به لذت‌بخش‌ترین ارتباط تبدیل کند و سلامت جسمی و معنوی زوجین را به همراه داشته باشد. امام علی علیه السلام یکی از حقوق زنان را خوشبو کردن خود برای شوهران می‌داند: «لِتَطِيبَ الْمَرْأَةُ الْمُسْلِمَةُ لِرَوْحِهَا؛ زن مسلمان باید خود را برای شوهرش خوشبو کند.» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرمودند: «إِنِّي لَأُبْغِضُ - مِنَ النِّسَاءِ - السَّلْتَاءَ وَالْمَرْهَاءَ؛ فَالسَّلْتَاءُ: الَّتِي لَا تَخْضُبُ وَالْمَرْهَاءُ: الَّتِي لَا تَكْتَحِلُ»^۱ من از زنان سلتا و مرها متنفرم. «سلتا» زنی است که خضاب نمی‌کند و «مرها» زنی است که سرمه نمی‌کشد. «زن باید با آرایش کردن، از شوهرش دلبری کند خود را در دل شوهرش جای دهد تا دیگران در خیابان از او دلبری نکنند. ریشه بسیاری از بی‌بندوباری‌ها و یافته‌های خارج از کانون خانواده، آن است که زنان و مردان، پاسخ مناسب در خانه و خانواده نمی‌یابند. همان‌طور که در روایات به لزوم آراستن زن برای شوهر سفارش شده، برای طرف مقابل نیز چنین سفارشی وجود دارد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ لِمَرْأَتِهِ مَا يَجِبُ لَهُ عَلَيْهَا، أَنْ يَتَّزِينَ لَهَا كَمَا تَتَّزِينُ لَهُنَّ غَيْرَ مَأْتَمٍ؛ همان حقوقی که لازم است مرد در رابطه با همسر خود رعایت کند، بر زن نیز لازم است این‌که شوهر خود را برای همسر خویش آراسته کند؛ همان‌گونه که زن، خود را در غیر گناه برای همسر خویش آراسته می‌کند. در روایت دیگری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «اغسلوا ثيابكم و خذوا من شعوركم و استاكوا و تزينوا و تنظفوا فَإِنَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَمْ يَكُونُوا يَفْعَلُونَ ذَلِكَ فَرَنْتَ نِسَاؤَهُمْ؛ لباس هایتان را بشوید و تمیز و مرتب باشد، موهایتان را اصلاح کنید، مسواک بزنید و خودتان را آراسته و نظافت کنید، چراکه بنی اسرائیل این کارها را نمی‌کردند؛

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۱۰۰، ص ۲۴۵.

۲. نرم افزار جامع الأحادیث، ص ۲۰۲.

در نتیجه زنانشان به کارهای ناروا تن دادند.^۱ امام رضا علیه السلام هم در این زمینه می‌فرماید: «آمادگی (آراستگی مرد) بر عفت و پاک‌دامنی زن می‌افزاید و گروهی از زنان عفت خود را ترک کردند؛ زیرا شوهرانشان خود را برای نیازهای آن‌ها آماده نکردند.^۲

محبت و اظهار آن

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَفِرُونَ»؛ «و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میانتان دوستی و رحمت نهاد آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.^۳ این محبت و علاقه با شروع زندگی مشترک تولد می‌یابد و با ادامه زندگی، استحکام پیدا می‌کند و تثبیت می‌شود. امام صادق علیه السلام فرمودند: «من اخلاق الأنبياء عليهم السلام حب النساء؛ از اخلاق پیامبران عليهم السلام همسر دوستی است».^۴

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: «إذا نظر العبد إلى وجه زوجته ونظرت إليه، نظر الله إليهما نظر رحمه، فإذا اخذ بكفها وأخذت بكفه، تساقطت ذنوبهما من خلال أصابعهما؛ هرگاه بنده، به چهره همسرش و همسرش به چهره او بنگرد، خداوند به آن دو، با نگاه مهرآمیز می‌نگرد و هرگاه دست یکدیگر را بگیرند، گناهان آن دو، از لای انگشتانشان فرومی‌ریزد».^۵

البته بدیهی است که مهر و محبتی دارای ارزش است که در مسیر الهی و مطابق با دستورات شرع باشد وگرنه، چه بسا مهر و محبتی که هیچ ثمره معنوی نداشته باشد و حتی باعث سقوط فرد به ورطه نابودی شود. در فرهنگ غنی اسلام، اظهار محبت یکی از لوازم دوست داشتن است؛ اما در روابط بین زوجین که مظهر کامل عشق و علاقه هستند، این اظهار محبت، جایگاه ویژه‌ای دارد تا آنجا که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «قل

۱. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، (کلمات قصار پیامبر اسلام)، ج ۱، ص ۹.

۲. حسن بن الفضل طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۷۹ و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۶، ص ۱۰۲.

۳. روم (۳۰) آیه ۲۱.

۴. محمد محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۹۳.

۵. محمد محمدی ری شهری، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، ص ۱۹۳.

الرجل للمراه «انی احبک» لایذهب من قلبها ابداً؛ این سخن مرد به زن که: «دوستت دارم» هرگز از دل زن بیرون نمی‌رود. قوانین و توصیه‌های اسلام، بر اساس فطرت و خصوصیات کلی انسان‌هاست. این حدیث با توجه به خصوصیات خاص زن که دارای احساسات و عواطفی بیش از مرد است، توصیه به اظهار محبت مرد نسبت به همسرش می‌نماید؛ چراکه زن از نظر روحی نیاز به دوست داشتن و محبوب بودن دارد. با این جمله همسر، نیاز روحی و روانی او را تأمین و به زندگی دلگرم می‌شود و می‌تواند همسری مهربان برای شوهر و مادری دلسوز و باعاطفه برای فرزندان باشد.

عفو و گذشت

انسان، مختار آفریده شده است، حق انتخاب دارد و ممکن است در برخی از انتخاب‌ها دچار اشتباه شده و از مسیر اصلی خارج گردد؛ و این مسئله برای زن و مرد هر دو یکسان است. به‌طور معمول امور مربوط به خانه بر عهده زن گذارده می‌شود و باید امور خانه را مدیریت نماید. او ممکن است در این راه دچار اشتباه شود، حتی ممکن است در برخورد و رفتار و گفتارش نسبت به همسر خویش خطا و اشتباه کند. در این مواقع، بسیار سفارش شده است که مردان خطاهای همسر خویش را ببخشند و آن‌ها را به این دلیل مورد آزار و اذیت قرار ندهند. از امام صادق علیه السلام پرسیده شد: «ما حق المراه علی زوجها الذی اذا فعله کان محسناً؟ قال:.... و ان جهلت غفرلها؛ حق زن بر شوهرش چیست که اگر مرد آن را انجام دهد، نیکوکار است؟ فرمودند: اگر زن از روی جهل خطایی کرد، مرد او را ببخشد.»^۱

«الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالصَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ»؛ «همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرومی‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.»^۲ و از خطای مردم در می‌گذرند، خدا نیکوکاران را دوست دارد.» زن و مرد هر دو در مسیر زندگی مشترک، دچار اشتباه می‌شوند و هر یک باید با گذشت از خطای طرف مقابل، فضای گرم و صمیمی خانواده را حفظ نماید و از طرف دیگر با عفو و گذشت، محبوب خداوند متعال خواهند شد.

۱. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۹، ح ۱.

۲. سورة آل عمران، آیه ۱۳۴.

مشورت و تبادل نظر در برخی از مسائل که ارتباط زیادی با زن دارد و تصمیم‌گیری مرد به تنهایی، نمی‌تواند کاملاً صحیح و بی‌عیب و نقص باشد، بهترین راه برای رسیدن به نتیجه مطلوب می‌باشد. در قرآن کریم نمونه‌ای از مشورت بین همسران بیان گردیده است.^۱ پس هرگاه والدین خواستند با رضایت و مشورت، فرزند خود را از شیر بگیرند، این کار ایرادی ندارد و اگر خواستی برای فرزندان دایه بگیرید، در صورتی که حقوقی به حد متعارف به او دهید، اشکالی ندارد. در جای دیگر، قرآن کریم با تعبیر دیگری به زوجین توصیه می‌کند که باهم مشورت نمایند،^۲ و (درباره فرزندان، کار را) با مشاوره شایسته انجام دهید؛ و اگر به توافق نرسید، زن دیگری شیر دادن بچه را بر عهده می‌گیرد.

از فواید مشورت در امور خانواده، این است که طرف مقابل خود را در فکر و تصمیمی که گرفته‌شده، سهیم می‌داند و دیگر احساس نمی‌کند، این کار به او تحمیل شده است.^۳

البته بدیهی است که آنچه مطلوب و مفید است، مشورت با همسر در امور مربوط به خانه و خانواده است؛ و یا اموری که زن در آن صاحب نظر است؛ و در اموری که به او ارتباطی ندارد، مشورت، توصیه نمی‌شود. پس به وسیله مشورت با همسر، علاوه بر حل مشکلات، راه صحیح نیز انتخاب می‌شود و امور به احسن وجه اداره می‌گردد.

خوش‌رویی

از سفارش‌های رسول اکرم ﷺ است که فرموده‌اند: «با برادران دینی بارویی گشاده روبه‌رو شوید.» «مردی خدمت رسول خدا ﷺ رسید و گفت: ای رسول خدا، مرا توصیه کن. پس حضرت در میان توصیه‌های خویش فرمود: با برادر خود با گشاده‌رویی مواجه شو.»^۴ وقتی با افراد جامعه دینی که از آنان به برادر دینی تعبیر می‌شود، باید با چهره‌ای باز و دور از گرفتگی و خشم و اندوه روبرو شد، حکم مواجهه در محیط منزل با همسر به خوبی روشن می‌شود. گشاده‌رویی نسبت به همسر تا جایی اهمیت پیدا می‌کند

۱. سوره بقره، آیه ۲۳۳.

۲. سوره طلاق، آیه ۶.

۳. محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن ج ۳، ص ۷۸.

۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، تصحیح علی‌اکبر غفاری، ص ۱۰۳.

که رسول خدا ﷺ آن را یکی از حقوق زن بر همسر خود دانسته و فرموده اند: «حَقُّ الْمَرْأَةِ عَلَى زَوْجِهَا أَنْ يَسَدَّ جُوعَهَا وَيَسْتَرْ عَوْرَتَهَا وَلَا يَقْبَحَ لَهَا وَجْهًا؛ حَقُّ زَنْ بَرِّ شَوْهَرِشَ ائِینِ اَسْتِ کِه اَو رَا گَرْ سَنَه نَگَذارَد، بَدَنَش رَا بِپُوشَانَد و بَا اَو تَرَشْرُوبِی نَکَنَد.»^۱ با بررسی آثار معجزه آسای گشاده رویی درمی یابیم، بی جهت نیست که گشاده رویی علامت ایمان، نیمی از عقل، اولین عطیه الهی و آغاز نیکوکاری دانسته شده است. توجه به ویژگی ها و آثار مهم گشاده رویی سبب آن می شود تا این سفارش ارزشمند اجتماعی، اولیای دین را بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم. رفتاری که به آسانی انجام می شود، همه افراد را در برمی گیرد، کینه و دشمنی را می زداید، محبت را جایگزین کینه می کند و قرب به خداوند و در یک کلام، خیر دنیا و آخرت را در بردارد، سزاوار بی اعتنایی نیست.

نتیجه گیری

یکی از اصول حاکم بر روابط زوجین، معاشرت به معروف می باشد که برگرفته از آیاتی از قرآن همچون آیات ۱۹ سوره نساء و ۲۲۸ و ۲۳۱ سوره بقره و آیه ۲ سوره طلاق می باشد. قرآن کریم معیار و ملاک رفتار زوجین با یکدیگر را معاشرت به معروف دانسته است.

یکی از سیاست های کلان قرآن کریم در نظام حقوقی خانواده تحقق اصل حسن معاشرت به معروف است. جهت تحقق این اصل باید مبانی فقهی و حقوقی معاشرت به معروف را شناخت. یکی از گزاره های معروف، انطباق با فطرت سلیم و الهی انسان ها می باشد؛ لذا برای تشخیص مصادیق معروف، نه تنها باید به گرایش انسانی بلکه به زوایا و قلمرو شرعی و الهی معروف توجه نمود. حسن معاشرت به معروف در ماده ۱۱۰۳ قانون مدنی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک اصل ضروری جهت تحکیم مبانی خانواده معرفی شده که آیات و روایات متعددی مبانی این اصل ارزشمند را تأکید می کند.

حسن معاشرت به معروف، مبتنی بر اصولی است؛ از جمله برابری حق و تکلیف، قاعده لاضرر و قاعده عدل و انصاف که هر یک از این اصول و قواعد مذکور به نوبه خود دارای تأثیرات مهم و کلیدی در ایجاد معاشرت معروف و نیکو بین زوجین می باشند. در برابری حق و تکلیف اسلام زوجین را موظف به احترام نهادن به شخصیت

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۴.



یکدیگر، احترام به نظریات، افکار و سلیقه همدیگر و محبت و صمیمیت بین آنها، خوش‌زبانی و خوش‌رفتاری، رفق و مدارا، تکریم و بزرگداشت همسر، وفاداری و... می‌نماید.

بنا بر قاعده برابری حق و تکلیف در روابط زوجین به این نتیجه رسیدیم که به محض وقوع نکاح حقوق و تکالیفی برای زن و شوهر ایجاد می‌شود؛ یعنی اگر شوهری نسبت به همسرش تکلیفی دارد، حقوقی نیز دارد که باید همسرش رعایت کند. با توجه به اصل برابری حق و تکلیف در روابط زوجین، معاشرت به معروف دارای مصادیقی است؛ از جمله احترام متقابل زن و شوهر به همدیگر؛ که در سلامت روحی، افزایش محبت و تحکیم خانواده، تأثیر بسزایی دارد. گستره این احترام شامل ارج نهادن به شخصیت یکدیگر، احترام به نظریات، افکار و سلیقه همدیگر و محبت و صمیمیت آنهاست. خوش‌زبانی و خوش‌رفتاری، رفق و مدارا، تکریم و بزرگداشت همسر، وفاداری و... از دیگر مصادیق حسن معاشرت می‌باشد.

فهرست منابع

* قرآن

** نهج البلاغه

۱. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه، (کلمات قصار پیامبر اسلام ۹، ج ۱، قم: دار الفکر، ۱۳۶۲ ش.
۲. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه سید محمد باقر موسوی، ج ۴، ۲ تهران: رجا.
۳. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۹ ش.
۴. محمدی ری شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، چاپ اول قم: موسسه فرهنگی دارالحدیث، ۱۳۸۹ ش.
۵. مصباح یزدی، محمد تقی، نظریه حقوقی اسلام، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰ ش.
۶. _____، اخلاق در قرآن ج ۳، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۱ ش.
۷. ابراهیم، مصطفی و دیگران، المعجم الوسیط، ج ۲۱، چاپ ششم، بی جا، نشر صادق، ۱۳۸۷ ش.
۸. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اهل اللغة، چاپ اول، قم: دارالجلیل مرکز نشر مکتب الاعلام الاسلامی، ۳۲۶: ۴، ۱۳۶۶.
۹. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۰. ابن منظور، لسان العرب، ج ۹، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۶ ق.
۱۱. جر، خلیل، فرهنگ لاروس عربی-فارسی، ترجمه حمید طبیبیان، چاپ نوزدهم، تهران: امیرکبیر، بی تا.
۱۲. جوهری فارابی، أبو نصر إسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیه، ج ۴، چاپ چهارم، بیروت: دارالعلم للملایین، بی تا.
۱۳. راغب اصفهانی، ابوالقاسم، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر الکتاب، بی تا.

۱۴. زبیدی، حسین، تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع، ۲۲۲: ۷، ۱۴۱۴.
۱۵. شریف جرجانی، علی بن محمد، التعریفات، ناصر خسرو، بی جا بی تا.
۱۶. طبرسی، حسن بن الفضل، مجمع البیان فی تفسیر قرآن، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ج ۳، چاپ اول، ۱۴۱ ق.
۱۷. طبرسی، حسن بن الفضل، مکارم الاخلاق، ج ۱، چاپ اول، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، بی تا.
۱۸. طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، ج ۳، بیروت: دارالوفاء، ۱۳۸۷ ش.
۱۹. طوسی، محمد بن حسن، البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳، بی جا، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، بی تا.
۲۰. عبد الباقي، محمد فؤاد، المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، تهران: مؤسسه اسماعیلیان، ۱۳۶۴ ق.
۲۱. العبیدی، رشید عبدالرحمن، معجم المصطلحات، بغداد: الجامعة الإسلامية، ج ۴،
۲۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية، ۱۳۵۲ ش، ۱۴۱۲.
۲۳. کلینی، محمد ابن یعقوب، فروع کافی، تصحیح علی اکبر غفاری، ج ۲، تهران: دارالکتب الإسلامية، بی تا.
۲۴. مصطفوی، محمد کاظم، مائه قاعده فقهیه، ج ۸، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین بقم المشرفة، ۱۳۶۸ ش.
۲۵. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، بیروت: مؤسسه آل البيت: لإحياء التراث، بی تا.
۲۶. فصلنامه علوم سیاسی، شمس الله مریجی (مدیرمسئول)، ج ۷، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه ۱۳۹۸.